

پژوهش حاضر، به تبیین جایگاه زبان در تقویت مبانی، تصریح اهداف و توسعه وسایل تربیت پرداخته است. روش پژوهش، تحلیل اسنادی بوده جامعه پژوهش کلیه اسناد و مدارک مرتبط با موضوع پژوهش می باشد، که بدون نمونه گیری بر شمرده است.

در این مقاله گردآوری داده ها به وسیله فرم فیش برداری انجام و داده های حاصل به شیوه کیفی بررسی شده است و عمده ترین یافته های پژوهش عبارتند از: ۱- زبان در تصریح مبانی تربیت

۲- زبان در تصریح اهداف تربیت ۳- زبان در تصریح وسایل تربیت می باشد. جنبه های فلسفه و مطالعات فلسفی زبان باعث شده که بسیاری از دانشمندان و تحلیلگران این حوزه به موضوع زبان بیش از پیش توجه کنند. همچنین زبان، این استعداد انسانی علاوه بر زمینه سازی درک و فهم انسان موجب خواهد شد که انسان به برقراری ارتباط با هموعان خود بپردازد و جنبه اجتماعی درونی خود را تقویت کند و به آن رسمیت ببخشد. تعاریف متعدد و مختلفی از زبان ارائه شده که در اینجا به ذکر یک نمونه از آنها اشاره می کنیم. سوسور زبان را نظامی از نشانه ها دانسته که باید در علم نشانه شناسی که بخشی از روانشناسی اجتماعی است مورد بررسی قرار گیرد.

با توجه به نقش اساسی زبان در تحولات نوین علوم انسانی و نیز با ملاحظه علوم نوین به عنوان شاخه بزرگی از علوم انسانی شاخه ای از علم وجود دارد به نام روانشناسی زبان که دارای مباحث مهمی در حوزه ی تربیت می باشد و صاحب نظران این گرایش بیشتر با شناخت آدمی و با قواعد خاص زبانی سرو کار دارند. بنابراین بررسی نقش رشد و تکامل در فراگیری زبان از خواسته های این دانش است همچنین بررسی روابط زبان و ذهن و زبان و مغز و چگونگی فراگیری زبان دوم نیز از موضوعات این رشته به حساب می آید.

پدیده زبان با فرهنگ جامعه رابطه وسیعی دارد فهم زبان مبتنی بر فهم فرهنگ آن و بلعکس می باشد. تحلیل معانی زبان با تحلیل و درک فرهنگ آن زبان در تعامل است در نتیجه چون آموزش و پرورش از بنیادهای فرهنگی جامعه محسوب می شود ارتباط زبان با تربیت گریز ناپذیر خواهد بود.

بی توجهی به اهمیت زبان در تربیت می تواند موجب بروز مشکلاتی در جوامع گردد، کومیز معتقد است، که مشکلات زبانی مدارس دنیا با گردش مسائل مربوط به هویت فرهنگی که در دهه ۷۰ در کشورهای در حال توسعه ایجاد شد افزایش یافته است. اندیشمندان ثمره تربیت را انسانی می دانند که به سطح عالی و تکاملی رشد فردی رسیده ضمن اینکه با استفاده از کارکردهای عالی ذهن خود توانایی غنی ساختن مهارت ها و ارزش های سودمند اجتماعی را از خود بروز می دهد.

ارتباط زبان و تربیت شامل ایجاد و بهبود روابط رفتارهای زبانی فردی است این رفتارها به ترتیب در اشکال گوش دادن، تکرار کردن، خواندن، نوشتن، صحبت کردن و تفکر عنوان شده است. در عالی‌ترین سطح کارکردهای زبانی فرد تربیت شده می‌توان از سطح تعاملات جهانی و روابط بین‌الملل یاد کرد.

در بحث آموزش و پرورش معلمان به عنوان عاملان مستقیم سیاست‌ها و برنامه‌های تربیتی باید از توانایی بالایی در برقراری ارتباط و انتقال مفاهیم برخوردار باشند، بنابراین تربیت معلمان شایسته و آگاه به دانش‌های زبانی و ماهر در به کارگیری مهارت‌های زبانی اهمیت بالایی خواهد داشت و آشنایی مربیان با مسائل زبان‌شناسی و مجهز بودن آنان به این مهارت و رفع موانع و ابهامات آنان در نحوه ایجاد ارتباط موفق با دیگران و چگونگی به کار بستن صحیح زبان تاثیر عمده‌ای در تربیت آنان در مراکز تربیت معلم خواهد داشت.

معلم به کار گیرنده و انتقال دهنده مبانی زبان تربیت است در نهایت امر این معلمان هستند که باید توانایی تجزیه و تحلیل و آموزش تحلیلی مطالب را به دانش آموزان داشته باشند معلم باید بتواند به وضوح از زبان مفاهیم و اصطلاحات استفاده کند و این شیوه دقت ذهنی و استعلا‌ی آگاهی را به سایر معلمان و دانش آموزان انتقال می‌دهد. اینجا روشن است که با توجه به مباحث مطرح شده جایگاه زبان در توسعه و بهبود تربیت معلم بی‌بدیل معلمان به عنوان انتقال دهندگان فرهنگ باید در وهله اول از توانمندی ارتباطی بسیار بالایی برخوردار باشند و تعامل ارتباط معلم با دانش آموز و همچنین تعامل دانش آموز با دانش آموز دیگر در محیط آموزشی زمینه مهمی برای تدریس و تفهیم را فراهم می‌کند که معلمان باید روش‌های صحیح درک و برداشت از متون و گفتارها را به دانش آموزان تعلیم دهند.

به طور کلی و خلاصه وار در این مقاله سعی شده که در ابتدا تعریف صریح جامع و مطلوبی از زبان ارائه گردد که در ادامه به بررسی ابعاد مختلف زبان و توضیح و تفسیر هر کدام از این ابعاد و همچنین ارائه نظرات صاحب نظران در این امر پرداخت شده است

همچنین در این مقاله به تکنیکهای برای بهره بردن حداکثری از زبان و همچنین استفاده مطلوب و به جا در پروسه آموزش و پرورش و تربیت دانش آموز پرداخت شده است.